

و تفسیر طبری نیآورده اند ... ، مؤلف در علم کلام ، طریق توسط پیموده است و روش قدمای برگزیده ، تفسیر رازی در علم کلام و عقلیات بیش از سایر تفاسیر مداخله نموده اما غالباً از حد تفسیر پای بیرون نهاده است و تشکیلات و مجادلات خارج از مدلول آیات ، که در تفسیر بدانها نیاز نیست هم آورده است (تفسیر ابوالفتوح رازی ، ج ۱/ ۲۶-۲۴ ، مقدمه) .

جنبه های فقهی این تفسیر نیز بسیار برجسته و چشم گیر است محقق که درباره این تفسیر پژوهشی گسترده را سامان داده است می نویسد :

... غرض این است که تفسیر ابوالفتوح از نظر فقاقت و بیان کامل مسائل دینی و فلسفه تشریح دیانت اسلام ، مجموعه ای کامل و جامع است و بدون تردید در میان تفاسیر مختلف ، تفسیر کبیر ابوالفتوح ، در زمره تفاسیر فقهی محسوب خواهد بود (تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی ، ج ۱/ ۲۳)

نثر این تفسیر نیز قابل توجه است . نثر ابوالفتوح رازی ، نثری استوار ، لطیف و سودمند است . واژه های فارسی سره ، ترکیب های زیبا ، لغات و تعبیرات ظریف ، در این تفسیر کار بردی عظیم دارد ، یکی از صاحب نظران در این باره نوشته اند :

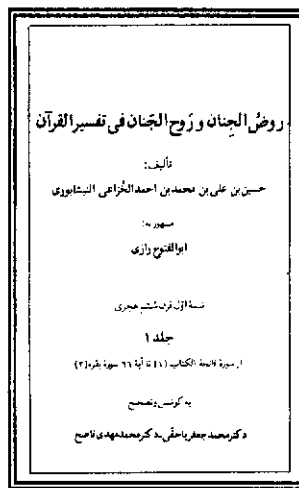
روض الجنان از حیث اشتمال بر فواید لغوی و دستوری و نثر ساده ای که دارد ، حائز اهمیت بسیار است . سبک نثر آن ، بکهنه و مشتمل بر بسیاری از لغات و تعبیرات و ترکیباتی است که در جای دیگر ، کمتر می توان یافت و مخصوصاً اثر لهجه رازی در آن به شدت ملاحظه می شود (تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۲/ ۹۶۵)

سخن از این تفسیر گرانقدر در این فرصت اندک نمی گنجد ، کلام تفصیلی و ارزیابی همه جانبه آن را این زمان بگذار تا وقت دیگر .

یادآوری کنم که آقای دکتر عسکر حقوقی پژوهشی مفصل درباره تفسیر ابوالفتوح سامان داده است با عنوان تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی ، در سه جلد . و این بنده نیز در ضمن مقاله ای کوتاه به ابعاد مختلف آن اشاره کرده و برخی از ویژگی های آن را تبیین کرده ام (مجله حوزه ، شماره ۲۰/ ۷۲-۶۴) .



روض الجنان و روض الجنان فی تفسیر القرآن



حسین بن علی بن محمد بن احمد الخراسانی النیشابوری ، تحقیق محمد جعفر باقری محمد مهدی ناصح (مشهد ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، ابوالفتوح (۱۳۷۱) این تفسیر ، که به تفسیر ابوالفتوح رازی معروف

است ، یکی از آثار گرانقدر فرهنگ اسلامی و از تفاسیر مهم و پر بار تشیع است . تفسیر ابوالفتوح ، در قرن ششم هجری نگاشته شده است . تا آن روزگار پژوهش های قرآنی و تفسیری عالمان اسلامی ، بیشتر به زبان عربی سامان می یافته است ؛ و این تفسیر ، گرچه اولین تفسیر پارسی نیست ولی گسترده ترین و مفصل ترین تفسیر زبان پارسی تا بدان روزگار است . تفسیر ابوالفتوح رازی از جهات گونه گونی قابل توجه و شایان دقت است . مرحوم آیت الله شعرانی - که یکی از تصحیح های این تفسیر به همت وی نشر یافته است - می نویسد :

در ادب و بیان و صرف و نحو و لغت و امثال آن ، غایت جهد را بکار برده است و منتهای تحقیق بعمل آورده است و هیچ فرو گذار نکرده است . آن اندازه شواهد از اشعار عرب و امثال که برای بیان لغات و قواعد عربیت آورده در هیچ یک از تفاسیر ، مانند کشف

شانزدهم / هشت

اکنون، پس از نشر مجلدات ۱۷-۹، چاپ و نشر تفسیر را از مجلدات اول آغاز کرده‌اند و مجلدات ۳-۱ نشر یافته است. در مقدمه جلد اول به تفصیل از چگونگی تصحیح و تحقیق و ویژگی‌های نسخه‌های معتمد سخن گفته‌اند، و یاران و همراهان در تصحیح و تحقیق و چاپ را یاد کرده‌اند؛ این ارجحی‌گذاری به تلاش همکاران و همراهان در این وانفسایی که بسیاری به لحاظ بهره‌وری از امکانات مالی و ... حاصل رنج دیگران را به نام خود نشر می‌دهند و خم به ابرو نمی‌آورند ستودنی است. چنانکه گفتیم، مقابله نسخه‌ها تصحیح و تحقیق متن را آقایان محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح به عهده دارند و ویرایش متن را بویژه بلحاظ اعراب و ضبط احادیث و اشعار عربی حجت الاسلام محمد حسن خزاعی. پایان بخش تمام مجلدات فهرس فنی است: فهرست واژه‌نامه که به لحاظ جایگاه والای این تفسیر در ادب پارسی واژه‌ها و ترکیب‌های کهن و سره آن بسیار سودمند است و کارآمد، فهرست برخی کلمه‌های مشکوک، فهرست نامهای خاص، فهرست جایها، اقوام، قبایل، طوایف، فرق، کتابها، احادیث و اقوال پیامبر و ائمه (ع)، امثال عربی، فارسی، و اشعار عربی و فارسی. اشاره کنم که در تصحیح احادیث، آثار و اشعار استخراج نشده و به ماخذ منابع ارجاع نشده است، اهمیت این کار در تصحیح روشن است و فرو نهادن آن نمی‌دانم چه دلیلی دارد.

محمد علی مهدوی راد

شیمای کارگران علی بن ابی طالب

امیرالمؤمنین (ع)

علی اکبر ذاکری (چاپ اول، مرکز انتشاران دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱). ۵۶۷ص، وزیری.

زندگی علی (ع) سرشار است از حادثه‌های بیدارگر، جریانهای پندآموز، و حقایق منور و سپیده‌گشا. اکنون قرن‌هاست که برای ترسیم چهره بی‌بدیل آن امام انسانیت، محققان، محدثان، متفکران، عالمان، قلم می‌زنند تا مگر «نمی» از «یم» شخصیت علی-ع- را بنمایانند ولی همگان گویا به زبان حال و قال معترفند که: «می نگنجد بحر اندر کوزه‌ای». و به گفته

باری آنچه اینک به قلم آمد، به یمن تصحیح و تحقیق دقیق و ازجمند این تفسیر گرانقدر است که سالهاست آغاز شده و مجلدات آغازین آن اکنون انتشار یافته است. تفسیر ابوالفتح دست کم سه بار به چاپ رسیده بود (مجله حوزه، مقاله یاد شده) هر سه مستند بود به یک نسخه متأخر و مغلوط و آن جایها نیز آکنده از تصحیف و تحریف و ... سالها پیش آقای دکتر محمد جعفر یاحقی از تصحیح انتقادی دقیق و پیراسته از اغلاط این تفسیر گرانقدر ضمن معرفی «دست‌نویس نفیسی از تفسیر ابوالفتح رازی خیر دادند، و در ضمن آن مقاله از تصحیفها، تحریفها و اغلاط بیشمار چاپهای پیشین به اشاره سخن گفتند و از جمله نشان دادند که ترجمه‌های ذیل آیات در چاپهای یاد شده نمی‌تواند از ابوالفتح رازی باشد. (رک: مجله مشکوة، شماره ۳، تابستان ۶۲/، ص ۱۸۸-۱۶۰، مقاله دست‌نویس نفیس از تفسیر ابوالفتح رازی). پس از مدتی که از آن خبر گذشت، جلد شانزدهم و هفدهم تصحیح یاد شده به همت آقایان محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح منتشر شد و علاقه‌مندان به اینگونه آثار را شادمان ساخت. این تصحیح در بیست جلد عرضه خواهد شد که مستند است بر تقسیم‌بندی مؤلف. از چرایی نشر این دو جلد بیشتر از مجلدات دیگر مصححان در آغاز آن سخن گفته‌اند، اکنون به اشاره درباره این تصحیح بسنده می‌کنیم و سخن تفصیلی از چگونگی این تصحیح و ارزشهای والای این تفسیر را می‌گذاریم برای فرصتی دیگر. مصححان در چگونگی طرح کلی تصحیح در مقدمه جلد شانزدهم نوشته‌اند:

طرحی که برای تصحیح تفسیر روض الجنان در پیش گرفته‌ایم عبارت است از تصحیح انتقادی بیست جلد متن تفسیر روض الجنان با مقابله و مقایسه کهن‌ترین دست‌نوشته‌های موجود و ضبط کلیه نسخه بدل‌های مهم در پاورقی و آنگاه تدوین شرح احوال و روزگار و تالیفات ابوالفتح و بحث در خصائص تفسیر او در مجلدی جداگانه و همچنین تدوین و تنظیم تعلیقات و فهرستهای متعدد مربوط به مجلدات بیستگانه، که پیش‌بینی می‌شود در دو مجلد مستقل فراهم آید. (جلد

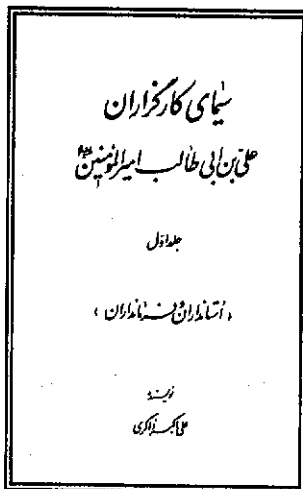
نویسنده هوشمند و هنرور
 مسیحی سلیمان کتانی:
 ای سرور من! ...
 چهارده ستون از
 ستونهای قرون با همه
 ساعتها و روزها و
 سالهای چنان آب
 شد و ناپدید گشت که
 حبه نمکی بر کف
 اقیانوسی، و هنوز
 یکی از حروف نام

بزرگت از بین نرفته و ناپدید نگشته است.

(امام علی، مشعلی و دژی، ص ۱۳).

از مجموعه زندگانی شصت و سه ساله علی (ع) پنج سال
 آخر (دوران حکومت آن بزرگوار) از اهمیت ویژه ای برخوردار
 است. ارزیابی دقیق و باریک بینانه ابعاد مختلف این مرحله،
 بی گمان برای رهروان راستین آن بزرگوار تنبه آفرین و پندآموز
 خواهد بود. آنچه در این کتاب آمده، نگاهی است به این
 دوران، اما از زاویه ای که بسیار اندک مورد توجه قرار گرفته و به
 ارزیابی کشیده شده است.

آنچه اکنون نشر یافته، جلد اول کتاب است در یک پیشگفتار
 و دو بخش. در پیشگفتار مؤلف انگیزه خود را از پرداختن به این
 موضوع نشان داده و چشم انداز کلی مجلدات کتاب را تبیین
 کرده و از ویژگیهای آن سخن گفته است. طبقه بندی کارگزاران
 در ادامه این پیشگفتار آمده است. آنگاه بخش اول کتاب است؛
 با سه فصل. در فصل اول با اختصار از بیست و پنج سال
 خلافت پس از پیامبر - ص - سخن رفته است. فصل دوم این
 بخش عهده دار تبیین چگونگی آغاز ادامه خلافت علی (ع)
 است با عناوینی چون: برکناری کارگزاران عثمان، اعزام اوگین
 گروه از استانداران علی (ع)، چرا علی را تنها گذاشتند و ... در
 این دو بخش زمینه ها و علل قیام مردم علیه عثمان و چرایی
 تنهایی علی - ع - در حکومت جای تأمل بسیار دارد؛ این بحث
 بیشتر از آنچه آمده است نیاز به ژرف اندیشی و کاوش داشت.
 در واپسین فصل این بخش از چگونگی گزینش کارگزاران سخن
 رفته و شرایط استانداران و فرمانداران تبیین گردیده و اقسام
 امارت نموده شده، و اختیارات امیران در امارت عرضه گردیده است.
 بخش دوم کتاب در چهارده فصل به شرح حال و چگونگی
 حکومت و امارت استانداران و فرمانداران پرداخته است، در



فصل اول از استانداران مکه سخن رفته است با شرح ابوقتاده، و
 قثم بن عباس ... فصل دوم کارگزاران مدینه را گزارش کرده
 است با بازگویی شرح حال پنج تن، تمیم بن عمرو، سهل بن
 حنیف، تمام بن عباس، ابو ایوب انصاری و حارث بن ربیع.
 گزارش چگونگی کارگزاران کوفه در فصل سوم آمده است؛
 با شرح حال ابو موسی اشعری که در ضمن آن به تفصیل از
 ماجرای حکمیت سخن رفته است، اما به نکات ظریف و
 بیدارگر چرایی انتخاب او، شخصیت روانی و فکری او اشاره
 نشده است. شرح حال قرظ بن کعب انصاری، عقبه بن عمرو
 انصاری و هانی بن هوزه در این بخش آمده است.

در فصل چهارم کارگزاران یمن معرفی شده اند؛ با یاد کردی
 از حبیب بن مثنیبه، سعید بن نمران و شرح حال تفصیلی و دراز
 دامن عبیدالله بن عباس. شرح حال کارگزاران نهروان در فصل
 پنجم آمده است با گزارش زندگانی و چگونگی امارت،
 عبدالله بن خیاب بن آرت، عبیده سلمانی و عدی بن حارث. در
 فصل ششم کارگزاران در این بحث شده است؛ شرح حال
 حذیفه بن یمان، یزید بن قیس، سعد بن مسعود ثقفی. کارگزاران
 جزیره و اطراف آن در فصل هفتم آمده است؛ شرح حال
 ابو حسان بن حسان بکری، مالک بن کعب، کمیل بن زیاد نخعی،
 مالک اشتر نخعی و شیب بن عامر.

«حبل»، شهرکی است بین نعمانیه و واسط، شهری کهن و
 آباد که اکنون به صورت دیهی بزرگ باقی است (معجم البلدان،
 ج ۱، ص ۱۰۳، البلدان ابن واضح، ترجمه آیتی، ص ۱۰۰،
 الروض المعطار، ص ۱۵۶) و «کسکر» قدیمی ترین شهر مسیحی
 نشین عراق است که در تاریخ معابد مسیحیان و نیز در تاریخ
 ایران قدیم و پس از آن در دوره اسلامی از اهمیت قابل توجهی
 برخوردار است (معجم البلدان، ج ۴/۴۶۱، الذاریات،
 شایستی، ص ۲۷۴ و صفحات متعدد واسط فی العصر الاموی،
 عبدالقادر المعاضیدی، بویژه ص ۵۷-۵۳). کارگزاران این دو
 منطقه در فصل هشتم یاد شده اند، در این فصل از شرح حال
 سلیمان سرد خزاعی، قدامه بن عجلان و قعقاع بن شور سخن
 رفته است، یادآوری کنم که مؤلف محترم ذیل «کسکر» نوشته اند:

«حجاج بن یوسف شهر واسط را که بین کوفه و بصره،
 در کنار دجله است، در مقابل آن ساخت».

این جمله ابهام دارد، در مقابل آن ساخت یعنی روپروی آن،
 و یا در مقابل وضع اجتماعی و سیاسی آن به عنوان پایگاهی در
 برابر آن. هر کدام از آن دو باشد چندان درست نمی نماید
 (بنگرید: «الواسط فی العصر الاموی» و «الحجاج بن یوسف

تعمیر و بازسازی فلسفه

اربع رسا ئل فلسفیه
حکیم الفارابی
تحقیق جعفر آل یاسین

حکیم الفارابی ، تحقیق جعفر آل یاسین . (چاپ اول : تهران ، حکمت ، ۱۳۷۱) . ۳۵۶ص .

حکیم ابونصر محمد فسارابی (۳۳۹-۲۵۹ق) در زمره بزرگترین حکمای جهان اسلام ، و عظمت او تا بدانجاست که معلم ثانیست خوانده اند . فارابی در فلسفه ، منطق ، موسیقی و سیاست ،

صاحب آراء جدید و ابتکاری است که از جمله می توان به برهان اسد و اخصر او در اثبات واجب الوجود و امتناع تسلسل تقسیم علم به تصور و تصدیق و پیوند عقل و دین اشاره کرد . فن تحلیل و انماء تعلیمیه منطق را که تا آن زمان در اختیار کسی نبود یا ترجمه نشده بود ، فارابی به ابتکار خود افزود . وی صناعات خمس و موارد استفاده از هر صفت را مشخص ساخت . گو اینکه فارابی فیلسوفی است مشائی ، اما خالی از مشرب اشراقی نیست . قدیمی ترین ریشه های تفکر اصالت وجود در آثار او به چشم می خورد . آراء سیاسی و دیدگاههای ویژه او درباره مدینه فاضله ، کهنترین اندیشه سیاسی بدون شیعی است . علی رغم مکانت رفیع فارابی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی ، تألیفات فراوان وی اکثراً مخطوط و غیر مطبوع باقی مانده است . عدد شمار آثار او به صد و سی جلد بالغ می شود . بخشی از آثار وی در اروپا ، جهان عرب و هندوستان تحقیق و چاپ شده است . مجموعه المنطقیات فارابی کار سترگی است که انتشار آن توسط آقای محمدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۶۷ از سوی کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) در قم آغاز گشته و تاکنون سه جلد آن به چاپ رسیده است . غیر از این ، تاکنون از آثار فارابی کتب ذیل در ایران منتشر شده است : فصوص الحکم ، الفاظ المستعملة فی المنطق ، فصول منتزعه ، کتاب الجمع بین رأیی الحکیمین ، و کتاب السیاسة المدینه المقلب بمبادئ الموجودات .

انتشارات حکمت در سال جاری اقدام به تجدید چاپ چهار رساله مختصر فارابی با تحقیق و تعلیق و مقدمه دکتر جعفر آل یاسین در یک مجلد کرده است . این چهار رساله عبارتند از :

الفقهی ، حیات و آراؤه السیاسیه ، ص ۴۴۸-۴۴۳) . در فصل نهم از کارگزاران بحرین ، عمان و اهواز سخن به میان آمده است ؛ شرح حال عمر بن ابی سلمه ، نعمان بن عجلان زرقی ، عمرو بن سلمه ارحبی ، حلوبن عوف ازدی ، حزیت بن راشد . فصل دهم ویژه کارگزاران فارس است ؛ شرح حال منذر بن جارود عبددی ، مصقله بن هیبره شیبانی و زیاد بن ابیه ، شرح حال کارگزاران اصفهان ، ری ، قزوین و همدان در فصل یازدهم آمده است یا شرح حال مخنف بن سلیم ازدی ، یزید بن قیس ارحبی ، یزید بن حجه قیمی و ربیع بن خثیم کوفی . یادآوری کنم که درباره شرح حال ربیع بن خثیم ، باید با دقت بیشتری سخن می رفت و چگونگی او به درستی نموده می شد و دو دیگر آنکه گوری که در خراسان معروف است در اینکه از آن این ربیع باشد بشدت مورد تردید است . در فصل دوازدهم از کارگزاران خراسان و سجستان بحث شده است ؛ شرح حال جعده بن هیبره ، حریت بن جابر حنفی ، عبدالله بن اهتم و ... فصل سیزدهم عهده دار بررسی شرح حال والیان آذربایجان است ؛ شرح حال اشعث بن قیس ، سعد بن حارث خزاعی ، اسود بن قطبه و ... واپسین فصل این مجلد را کارگزاران همدان و شام در خلافت عثمان تشکیل می دهد . و کتاب با فهرستهای فنی و سودمند ، آیات ، احادیث ، خطبه ها و نامه های علی (ع) ، رویدادهای تاریخی اعلام ، قبایل طوایف و فرق و ... پایان یافته است .

چنانکه بیشتر گفتیم از این زاویه نگاه به سیره و زندگانی علی (ع) نگاهی است نو و هوشمندانه ، از این روی گزینش مؤلف ستودنی است ، مؤلف محترم در کتاب فقط به شرح حال نگاری بسنده نکرده و جای جای حوادث مربوط به شخصیتها را آورده است . بدین سان کتاب به گونه ای تاریخ حوادث سیاسی و اجتماعی آن روزگار نیز هست . مراجعه به منابع و مصادر فراوان از نقاط قوت این اثر است و مؤلف در پرتو این مراجعات به برخی از اشتباهات رجالیان و مورخان راه برده و آنها را تصحیح کرده است (ص ۳۱۹-۳۲۷ ، ۴۱۴ و ...) یادآوری کنم که گاهی عناوین دقیق و رسا نیست (ص ۴۷۶) و گاهی مدارک دقیقاً یاد نشده است (ص ۴۹۳) و دیگر گاه نام منبع اشتباه آمده است (ص ۴۹۳) . نکاتی دیگر را نیز در متن این گزارشگونه یاد کردم و با این همه ، کتاب اثری است بسیار سودمند و خواندنی ، مطالعه آن را به جستجوگران سیره علوی توصیه می کنیم .

محمد علی مهدوی راد

۱- کتاب التبیانه علی سبیل السعادة ۲- التعليقات ۳- رسالتان فلسفیتان (۱) - مقاله ابن نصر فیما یقع و ما لا یقع من احکام النجوم، ۲- جوابات لمسائل سئل عنها) موضوع رساله اول، اخلاق است. فارابی به دنبال ملاکی برای تمیز جمیل و قبیح در افعال اخلاقی است. او به شیوه اخلاق نیکو ماخوس ارسطو به دنبال یافتن فعل وسط اخلاقی، یعنی همان ملکه اعتدال است. به نظر فارابی صنعتی که مقصود آن منحصرأ «جمیل» است، فلسفه یا حکمت علی الاطلاق است و او آن را به حکمت نظری و عملی تقسیم می کند. صناعة خلقیه از دیدگاه ابونصر تنها از طریق فلسفه می گذرد و فلسفه متوقف بر جوده تمیز است و جوده تمیز با قابلیت ذهن بر ادراک صواب به دست می آید و این جز با منطق تحصیل نخواهد شد و مقدم بر همه مباحث منطقی هم بحث الفاظ منطوق است و لذا در این مرحله به مقداری نحو محتاجیم. لذا اول مرتبه سبیل سعادت به رأی فارابی، تحصیل منطوق است و غایت آن قدرت بر تأمل خیر مطلق. این رساله، سبیل سعادت به سبک تفکر یونانی است و سؤال جدی خواننده از فارابی به عنوان یک حکیم مسلمان، جایگاه دین و نقش آن در سعادت انسان است. آیا این رساله مقدمه ای بر منطقیات فارابی، بویژه الالفاظ المستعلمه فی المنطق است یا از جمله رسائل سیاسی-اجتماعی وی و متاخر بر منطقیات اوست؟ محسن مهدی، بر رأی اول و جعفر آل یاسین مدافع نظر ثانی است. ذیل رساله مؤید نظر اول است.

رساله دوم تحت عنوان تعليقات، شامل توضیح بعضی مفاهیم فلسفی، شروح کوتاه و اشاراتی به مشکلات فلسفی است. تعليقات بر خلاف عنوان آن، شرح و تعلیقه کتاب معینی نیست، بلکه جوابهایی است که فارابی در پاسخ معضلات فلسفی شاگردانش ارائه کرده است. در این رساله مباحثی درباره تلازم علت و معلول، مقایسه کمیات و کیفیات در جزء داشتن، رابطه صورت و ماده، طبیعت انسان، تعریف فلسفه، مسائلی از فلکیات و ... آمده است شیخ الرئیس نیز کتابی به همین نام و سیاق دارد. در این رساله به صد و یک نکته فلسفی، طبیعی و ریاضی اشاره شده است.

رساله سوم در جواب سؤالی از ابواسحاق ابراهیم بن عبدالله البغدادی در علم احکام و نجوم است و حاوی مباحثی درباره تأثیر اجرام سماوی در زندگی انسان است.

رساله چهارم تحت عنوان جوابات لمسائل سئل عنها، جوابهای فارابی به سؤالات یکی از شاگردانش است که در صدر رساله مستقلاً ذکر شده است. این رساله حاوی چهل و سه

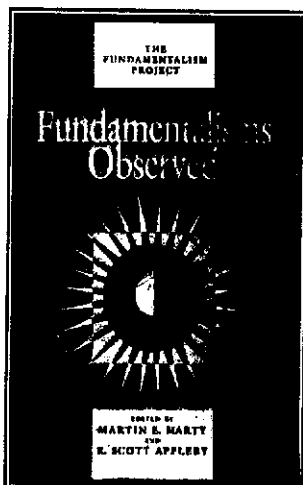
سؤال و جواب در مباحث مختلف فلسفی است. رساله اول هر یک بر اساس دو نسخه و دو رساله اخیر بر اساس چهار نسخه تصحیح شده است و مصحح، نسخه بدلها را در پاورقی ذکر کرده است. در ذیل هر رساله، تعلیقاتی تطبیقی بین هر رساله و دیگر رسائل فارابی و در رساله تعليقات بویژه بین تعليقات فارابی و تعليقات شیخ الرئیس) آورده شده که مغتنم است.

نام هر چهار رساله در تاریخ حکمای قرون هفتم و هشتم آمده است و بنظر مصحح همین مقدار در انتساب آنها به فارابی کافی است. فهرست تفصیلی هر رساله در پایان همان رساله آمده که مناسب بود در تجدید چاپ آن در ایران هر چهار فهرست در صدر کتاب درج می شد. فهرست فنی مصطلحات و فهرست اعلام و کتب در ذیل هر رساله، از امتیازات کتاب است. مقدمه و تصحیح و تعلیق رسائل چهارگانه خوب است. هر چند کتاب در حجمی به مراتب کمتر از این مقدار نیز قابل چاپ بود. اینکه چرا ناشر محترم ایرانی از بین رسائل فراوان منتشر شده از فارابی در خارج از ایران، این چهار رساله را برگزیده است، مشخص نیست. رساله اول اخلاقی، رساله دوم و چهارم در مسائل متفرقه فلسفی، و رساله سوم در احکام نجوم است. هر چند اقدام ناشر محترم به انتشار آثار حکمای بزرگ اسلام ستودنی است، اما چاپ مجموعه رسائل فارابی به تفکیک مجلدات و بر اساس موضوعات که در خارج از ایران تحقیق و منتشر شده، بیشک سودمندتر است. به این امید که روزی شاهد انتشار مجموعه آثار فارابی در هیات واحد و با تصحیح و تحقیق و فهرستهای فنی در ایران باشیم.

محسن کدیور

پرسی‌های بنیادگرایی

زیر نظر مارتین مارتی و اسکات اپل بای. (شیکاگو، انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۱۹۹۱م) ۸۷۲۰ ص، وزیری. مساله بنیادگرایی، آکادمی علوم و فنون آمریکا را بر آن داشته است تا پروژه بزرگی را در دستور کار خود قرار دهد که طبق آن باید یک مجموعه پنج جلدی در مورد بنیادگرایی



فصل از کتاب به بنیادگرایی مسیحی اختصاص یافته است: فصل اول مربوط به پیدایش جنبش پروتستانیسم در آمریکای شمالی در دوران بحران اخلاقی جامعه است. دومین فصل مخصوص بنیادگرایی کاتولیکی و نقش آن در ایالات متحده است و سومین فصل به جنبشهای پروتستانی در آمریکای لاتین و نقش آنها در حمایت از دیکتاتوریهایی مانند دیکتاتوری پینوشه در شیلی اختصاص دارد.

در دو فصل از کتاب به یهودیان پرداخته شده است که فصلی از آن درباره جنبشهای صهیونیستی خارج از فلسطین اشغالی و فصلی درباره جنبش صهیونیستی افراطی کوش امینوم در سرزمینهای اشغالی است.

چهار فصل از کتاب به بنیادگرایی اسلامی اختصاص داده شده است. فصل اول مربوط به جنبشهای بنیادگرایی در مصر و سودان است. فصل دیگری به بنیادگرایی شیعی در ایران، عراق و لبنان پرداخته است. سومین فصل به جنبشهای اسلامی در جنوب آسیا، بویژه «جماعت اسلامی» در پاکستان، بنگلادش، هند و کشمیر اختصاص یافته است و آخرین فصل، جنبشهای اسلامی در جنوب شرق آسیا، بخصوص مالزی و اندونزی را بررسی کرده است.

این کتاب تنها جنبشهای بنیادگرایی مبتنی بر ادیان سه گانه آسمانی (اسلام، مسیحیت، و آیین یهود) را مطرح نظر قرار نداده است، بلکه پنج فصل را نیز به جنبشهای بنیادگرایی متفرع از ادیان دیگر اختصاص داده است؛ فصلی به جنبش هندوئیسم و تأثیرات آن بر سیاست هند و حکومتهای دیگر جنوب آسیا، فصلی دیگر به سیکها و خواستهای جدایی طلبانه آنان، سومین فصل جنبش بودایی و چهارمین فصل جنبش احیای کنفوسیونیزم در ژاپن. پنجمین فصل آن از ارتباط میان دین و سیاست در اعمال سیاسی ژاپن بحث میکند.

در پایان، این نکته گفتنی است که جنبشهای بنیادگرا مورد استقبال برخی سیاستمداران قرار می گیرد و برخی، از آنها بشدت احساس خطر میکنند. مثلاً ریگان و بوش برای رسیدن به قدرت از جنبشهای بنیادگرایی پروتستان بهره می جستند؛ لیکن برای حفظ همان قدرت، جنبشهای بنیادگرایی اسلامی را مانع خود می دانستند و برای سرکوب آنها به حکام کمک می کردند. همین مساله رشد بنیادگرایی را در برخی نقاط و ضعف آن را در دیگر نقاط توجیه می کند.

ماخذ: العالم، ربیع الثانی ۱۴۱۳. شماره ۴۵۳، ص ۲۶.

ترجمه سید حسن اسلامی

منتشر شود. اثر مفصل فوق، نخستین کتاب این مجموعه است و هدف از انتشار این مجموعه، آشنا کردن خوانندگان با مفهوم و تحولات بنیادگرایی، و گسترش آن در جهان امروز و نقش و اهمیت جنبشهای موسوم به بنیادگرا است. می توان این جلد را دائرةالمعارف جنبشهای بنیادگرا دانست که خوانندگان هوشمند را با دیدگاههای سیاسی بنیادگرایی، اهداف، شعارها، پایگاه مردمی آن، اسباب رشد آن و عکس العملهای ضد آن، آشنا میکند. کتاب حاضر با این سوال آغاز می شود که «آیا بنیادگرایی با محافظه کاری و ستگرایی پیوندی دارد و می توان جنبشهای بنیادگرا را محافظه کار و گذشته گرا تلقی کرد؟».

سرپرستان این مجموعه می کوشند تعریفی از بنیادگرایی ارائه کنند که تمامی جنبشهای موسوم به آن را در بر بگیرد و چهار چوب عامی برای ورود به بحث باشد. بر این اساس، آنان بنیادگرایی را «گرایی در جهت زنده کردن سنتها و میراث فرهنگی و عصری کردن آنها» تعریف می کنند. طبق این تعریف، بنیادگرایی نه تنها با پدیده های نو مخالفتی ندارد، بلکه از تکنولوژی و دستاوردهای علمی به عنوان وسایلی برای رسیدن به مقصود خود استفاده می کند.

جنبشهای بنیادگرا مشترکات مهمی دارند که اولین آنها، انتخاب دین به عنوان مبدا، مقصد و همه آرمانهاست. در این میان، تنها استثنا، جنبش بنیادگرایی ژاپن است که از سیاست، دین می سازد و آن را شیوه زندگی می داند. در حالی که دیگر جنبشها، فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود را بر اساس دین بنیان می نهند. دومین ویژگی مشترک جنبشهای بنیادگرا، ستیز با ارزشهای حاکم به وسیله ارائه ارزشهای جدید و گاه نامتعارف است. هدف این ستیز، ایجاد تعبیرات سیاسی و اجتماعی است.

جنبشهای بنیادگرا در دو بستر حرکت می کنند: یک جریان به دلیل سرکوب حاکمان و یا اعتقاد قوی پیروان آنها و یا هر دو به خشونت می گرایند و از طرف مخالفان، متعصب نام می گیرند؛ حال آنکه دومین جریان به سبب نوع برخورد و نگرش خود انعطاف پذیر و اهل تسامح نامیده می شود.

این جنبشها با دو گونه عکس العمل روبرو می شوند: برخی مورد استقبال مردم قرار میگیرند و به پیروزی می رسند، که جنبشهای اسلامی از این نوع به شمار می روند؛ و برخی علی رغم تلاشهای خود دچار شکست سختی می گردند و از هدف باز می مانند.

این کتاب جنبشهای بنیادگرا را در سراسر عالم بدون توجه به آسمانی بودن دین مورد اعتقاد آنها بررسی می کند. سه

تاریخ اسماعیلیان در ایران
در سده های ۵-۷ هجری

**تاریخ اسماعیلیان
در ایران
در سده های ۵-۷ هجری**

نشر اشاره
۱۳۷۱

استرویوا لردمیلا و لاد
میمیرونا. ترجمه پروین منزوی
(تهران، نشر اشاره، ۱۳۷۱).
372 ص. در زبان فارسی
آثاری که به نحوی مربوط به
اسماعیلیه باشد بسیار است و
شامل نوشته هایی از قدیم و
جدید و نیز ترجمه از زبانهای
خارجی می شود. کتاب مورد
بحث خصوصیتش این است
که از دیدگاه ویژه مورخان

شوروی سابق نگاشته شده و منهای این نکته، تا آنجا که تصفح
شد، مطلب تازه ای در آن به نظر نیامد. دیدگاه خاص آن مکتب
تاریخ نویسی که در این کتاب کاملاً مورد تطبیق نشده، یعنی
وقتی مؤلف، اسماعیلیان ایران را در قرن پنجم تا هفتم مبارزان
ضد فتودالی قلمداد می کند شواهد مشخصی برای این قضیه
نمی آورد؛ مگر آنکه مبارزات اسماعیلیه با سلجوقیان و در
افتادن با متحدان سیاسی و نظامی و مرجع ایدئولوژیک آنان-
خلافت عباسی- را مبارزه با فتودالیسم بدانیم. در این معنا هر
کس یا هر دار و دسته و سازمان و گروهی که؛ عباسیان یا
سلجوقیان در افتادن بایستی مبارزه ضد فتودالی به حساب آیند.
آنچه موضع مؤلف را- دستکم از نظر ارائه شواهد قانع کننده-
ضعیفتر نشان می دهد این است که خود اعتراف کرده اسماعیلیه
ایران یک جنبش فراگیر بوده است (ص 105 و نیز رك: ص 136 و
171)، یعنی عناصری از بینوایان شهری و پیشه وران و کشاورزان
را با افرادی از طبقه حاکمه (فتودالها) و هیأت حاکمه (حتی
وزیری در سطح سعدالدین آبی) در کنار هم شامل می شده
است. اینکه نویسنده مدعی شده است از نظر اقتصادی
اسماعیلیان اقطاع داری را نفی کردند (ص 303) محرز نیست. به
نظر می آید در مراحل، یا دستکم موارد خاصی، قلعه و املاکی
به کسی اقطاع داده می شده، و اصولاً وجود جناح فتودالی
محافظه کار در جنبش مستلزم حفظ نظام فتودالی، بلکه تثبیت و
تأیید و گسترش آن، بوده است.
البته نظام سیاسی اسماعیلیه، بویژه در مرحله فرازنده جنبش،

مردمی تر از حکومتهای معاصرش بوده است. نفی شکل
موروثی حکومت (ص 139)، اطلاق «مستجیب» بر کسی که
دعوت را پذیرفته، به جای «مُسلم» و «تسلیم شده» (ص 115) و
معارضه با عباسیان و سلجوقیان که در آن زمان نیروی بازدارنده
پیشرفت فرهنگی و اجتماعی بوده اند، کلاً مثبت و قابل ستایش
است. در نامه مشهوری که گویند حسن صباح به ملکشاه نوشته
موضوعگیری ضد عباسی و ضد سلجوقی او با روشنترین
عبارات و کوبنده ترین منطق بیان شده است؛ خصوصاً که این
حرکت توأم با فاصله گرفتن از فاطمیان مصر می باشد.
(ص 63).

کتاب انسجام و روانی خاصی دارد که مسلماً بر اثر استفاده
از منابع فراوان (ص 336-309) و در واقع ره سپردن بر جاده
کوبیده است. یعنی مؤلف از حاصل تحقیقات دست اول
دیگران استفاده کرده و چیزی بر آن نیفزوده است. ترجمه نیز به
روی هم خواندنی است؛ الا اینکه چند نکته بر آن می توان
گرفت: یکی اینکه منقولات مؤلف را از منابع فارسی، آن هم
منابعی در دسترس، به جای آنکه به عین عبارت از متن فارسی
نقل کند از روسی به فارسی ترجمه کرده (ص 15، 20 و 40) از
قابوسنامه و سیاست نامه؛ حال آنکه مثلاً در صفحه 84 عین
عبارت قابوسنامه نقل و بایستی همه جا این کار صورت
می گرفت زیرا در بعضی موارد به اشتباه ترجمه شده و نتیجه ای
که منظور نیست گرفته می شود: «کیکائوس چنین می آموزد:
اجازه نده که در خانه تو برده ها برادر یکدیگر شوند و زندهای برده
خود را خواهر آنان بنامند. بدبختیهای بزرگ از این بر می خیزد»
(ص 40). حال آنکه عبارت قابوسنامه چنین است: «مگذار که
در سرای تو بنده برادر خواندان گیرند و کنیزکان با ایشان خواهر
خواندگان گردند که آفت آن بزرگ باشد». (قابوسنامه، چاپ
نفیسی، ص 84). منظور، بر حذر داشتن ایجاد خصوصیت بین
بردگان و اهل خانه است، نه بین خود بردگان.

به کار بردن اسماعیلیزم و اسماعیلیسم (ص 137، 169،
170، 171، 215، 271، 274، 304، ...) نیز نزاریسم
(ص 254، 239 ...) است. حال آنکه «اسماعیلی گری»
اصطلاحی است بسیار جا افتاده و به جای «نزاریسم» نیز
-فی المثل- اگر گرایش نزاری، یا فرقه نزاری می گفت، بهتر
می بود.

سوم اینکه کلمه قهستان (ص 92) در جایی به صورت
قهستان (ص 94) و کوهستان به کار رفته که همان «قهستان»
بهتر است. قلعه ناظر در خوزستان (ص 117، 112، 84) به

پژوهشی جامع در این زمینه انجام یافته است. اما در عراق از آنجایی که بررسی فرهنگ کنونی مردم، آنجا و جستجو درباره ریشه های کیانی مستقل برای آن مردم نیازمند پژوهش در تاریخ گذشته عراق است، لذا هر پژوهشگری را بالضروره به بررسی روابط مردم عراق و حاکمان آن با ایران و حکومتگران آن وادار می کند. جامعترین کتابی که در سالهای اخیر به این موضوع پرداخته کتاب لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحديث اثر جامعه شناس و مورخ برجسته و مشهور عراقی، دکتر علی الوردی است. این کتاب که نخستین جلد آن در سالهای پایانی دهه ۶۰ میلادی به چاپ رسید به بررسی تاریخ عراق از هنگام به قدرت رسیدن خلافت عثمانی در سالهای پایانی قرن سیزدهم میلادی تا سال ۱۹۲۴ میلادی پرداخته است. نویسنده این کتاب پیش از آنکه مورخ باشد، جامعه شناس و تحصیلگر اجتماعی است که در تحلیل و بررسی زمینه ها و ریشه های عادات اجتماعی ملت عراق سابقه طولانی دارد و از او کتابهای متعددی عرضه شده که از ارزش و اعتبار بسزایی برخوردار است. کتابهایی نظیر شخصیه الفرد العراقي، خوارق اللاشعور، مهزلة العقل البشري، اسطورة الادب الرفيع، الاحلام بين العلم والعقيدة، دراسة في طبيعة المجتمع العراقي، منطق ابن خلدون في ضوء حضارته و شخصيته، و عاظ السلاطين (کتاب اخیر در دهه های پیش از انقلاب به فارسی ترجمه شده و خوانندگان فارسی با آن آشنا هستند). این مجموعه کتابها در زمینه شناخت ملت عراق برغم اینکه نقد و بررسیهای فراوان و انعکاسات مثبت و منفی را در میان روشنفکران و جامعه مذهبی عراق برانگیخته است، نمایانگر قدرت و توانایی او در زمینه تخصصی خود است. او پایه کتاب لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحديث را بر بررسی اجتماعی وقایع تاریخی این دوران قرار داده و در واقع کتاب او تلفیقی از ماده خام تاریخی به همراه تحلیلها و بررسیهای اجتماعی و جامعه شناختی اوست. از این رو خواننده کتاب در عین حالی که با حجمی عظیم از حوادث و وقایع تاریخی روبروست، تحلیلها و بررسیهای جامعه شناسانه او را نیز به همراه آن وقایع و حوادث ملاحظه می کند. بدین خاطر او نام کتاب خود را لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحديث، یعنی دیدگاههای اجتماعی از تاریخ معاصر عراق قرار داده است. این کتاب همان گونه که گذشت، نخستین جلد آن در سالهای پایانی دهه ۱۹۶۰ میلادی چاپ گردید و بتدریج مجلدات بقیه آن در طی ده سال به چاپ رسید. ظهور این کتاب باعث واکنشهای مثبت و منفی فراوانی گردید. مؤلف و کتاب

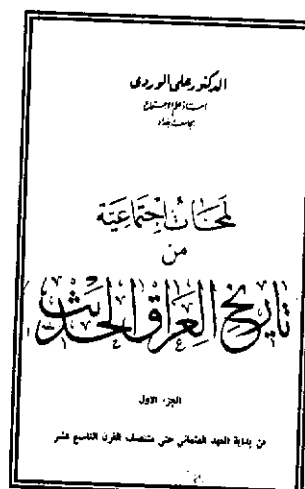
صورت قلعه نادر (ص 84) نیز به کار رفته که خواننده نمی داند صحیح کدام است. کلمه کیانیان (ص 145) و کُشک (253) نادرست و کیسانیان و کوشک صحیح است. به جای کلمه خدائیت (ص 146) هم اگر الوهیت نوشته شود، بهتر است.

مترجم گاهی ایرادات بجا بر مؤلف گرفته، مثلاً غلط فهمی مؤلف از یک عبارت متن تاریخی را تذکر داده (ص 97) و نیز رك: 51 و 105) یک مورد عجیب، بلکه مضحک که بر مؤلف می توان گرفت اینکه تصور کرده «نجم الدین رودباری» مذکور در مکتوبات آخوندزاده و حکایت «علی ذکرة السلام» امام سنت شگن اسماعیلی با «نجم الدین» یک واقعه تاریخی است. حال آنکه «نجم الدین» مخلوق ذهن آخوندزاده است و حرفهایی که آخوندزاده در دهان «علی ذکرة السلام» می گذارد عقاید خود آخوندزاده است. این است که چنین «نو» به نظر می آید. (ص 247 متن و حاشیه).

در پایان این معرفی کوتاه، بد نیست اشاره شود که در جای جای حواشی این کتاب (از جمله صفحات 47، 78، 231، 257 ...) درباره تقابل «اسلام ضد گنوسی عربان و ترکان» با «گنوسیسم اسلامی- ایرانی- شیعی ...» مطالبی به قلم آمده که معلوم نیست نویسنده چه می خواهد بگوید. از آنجا که نوشتن برای فهمانیدن است، خوب است آن فرضیه یا نظریه به طور مفصل با شواهد قانع کننده- نه جسته و گریخته- در یک کتاب یا مقاله مستقل به طور روشن (یعنی هم برای خواننده و هم برای نویسنده، معنی اصطلاحات روشن باشد) مطرح گردد و مورد بحث و نقد و حلاجی اهل نظر قرار گیرد.

علیرضا ذکاتوی قراقرلو

لمحات اجتماعی من تاریخ العراق



وجود عتبات مقدسه و حوزه های علمیه شیعه و وحدت مذهبی میان مردم ایران و نسبت بالایی از مردم عراق همواره باعث انتقال توده های عظیم مردم به همراه فرهنگ ایرانی به سوی عراق بوده است. از این رو نیاز مبرمی به بررسی این روابط احساس می گردد. در ایران- تا آنجا که نگارنده می داند- کمتر

او هم از سوی روشنفکران ملی گرای عرب در عراق مورد تاخت و تاز قرار گرفت و هم از سوی قشرهای مذهبی، گروه نخست حمله خود را متوجه دیدگاههای جامعه شناسانه و قضاوتهای او درباره عادات و فرهنگ عرب در عراق نموده است که علی الوردی شیعتنترین و مذومترین صفات را نثار آنها نموده و آنها را بدور از فرهنگ انسانی و عادات و رسوم ملل و جوامع متمدن می داند و در واقع آنها را مردمانی وحشی صفت، غارتگر، خونریز، چپاولگر و بدوی دانسته و حتی صفات ممدوح اعراب از قبیل کرم، جوانمردی، شجاعت و جز اینها را به گونه زشتی تفسیر می کند و معتقد است که شیخ قبیله عربی و بزرگ خانواده از یکسو اموال زیر دستان و اتباع خود و دیگران را چپاول نموده و آنگاه بخشی از آن را به دیگران هبه می نماید، و به تعبیر او عرب (نهاب و هاب) یعنی چپاولگر بخشنده است. همچنین او بسیاری از عادات و رسومات مردم عراق را ناشی از تأثیرات اعراب بدوی و بیابانگرد بر مردم شهرها و روستاها می داند؛ تأثیراتی از قبیل شقاوت و بیرحمی در برخورد های اجتماعی و توسل جستن و شفاعت طلبیدن و نذر و نیاز بردن به درگاه امامان و اولیاء دین.

از سوی دیگر علما و قشرهای مذهبی از تحلیلهای و اظهار نظرهای او نسبت به امور مذهبی و متهم نمودن بعضی از علماء خشمگین شدند و ردیه های چندی بر او نوشتند. در هر حال غرض از ذکر این مطالب آن است که نشان داده شود این کتاب، نوشته ای در میان دهها نوشته دیگر نبوده است؛ بلکه مورد توجه مجامع علمی در عراق قرار گرفته و عکس العمل موافق یا مخالف با او را برانگیخته است. البته قضاوت درباره این کتاب مشکل است و غرض از این نوشتار معرفی اجمالی کتاب است، وگر نه این کتاب و دیدگاههای طرح شده در آن نیاز به نقد و بررسیهای وسیعتر و دامنه دارتری توسط آگاهان دارد. آنچه را که هیچ منصفی نمی تواند انکار کند همانا سعی او در بیطرفی و بیان حقایق و اغماض از دخالت دادن کلیه تعلقات و وابستگیهای قومی و مذهبی خود در قضاوتهای و بررسیها و تحلیلهای اجتماعی خود از حوادث است. علاوه بر این به طور قطع و یقین می توان ادعا کرد. که در میان نویسندگان معاصر عراق آنکه توانسته است به بهترین وجه نقش علمای دین در مبارزه علیه دولت انگلیس در هنگام اشغال عراق در سال ۱۹۱۷ میلادی و پس از اشغال و در دوران قیام عمومی که اصطلاحاً به «ثورة العشرین» معروف است را بنماید علی الوردی است. او در دو جلد از کتابش به تشریح نقش علمای شیعه در شکل گیری

استقلال عراق و حوادث متعلق به آن پرداخته و انصافاً حق مطلب را بخوبی اداء کرده است. همچنین او هرگز خود را پایبند مفاهیمی واهی و بی اساس همچون غرور ملی، قومیت و طایفه نموده و آنچه به نظرش و بنا بر تحلیلهای اجتماعی واقع نموده، بیان کرده است. لیکن در مقابل این حقایق نباید در مواردی از تندرویهای بی جا و بدور از واقعیت او و یا اتهامات بی مورد و بدور از حقیقتش نسبت به بعضی از مراجع دین و یا بحثهای او در مقوله های دینی و بعضی از کتابهای دینی از قبیل بحار الانوار بسادگی گذشت. در هر حال این کتاب پر غم نقاط ضعف محدود آن که ناشی از بی توجهی مؤلف (گرچه تردیدی در ضدیت آگاهانه او با دین و مبانی مذهبی وجود ندارد) نسبت به حقایق دینی و تاریخی است، در مجموع از اعتبار و ارزش والایی برخوردار است و آنچه که این کتاب را برای خوانندگان و پژوهشگران ایران با ارزش می نماید همانا بررسی حوادث و وقایعی است که در چهار قرن اخیر در عراق رخ داده است و ارتباط تنگاتنگی با ایران و سیاست خارجی دولتهای حاکم در ایران دارد. مؤلف با استفاده از منابع تاریخی عربی و ترکی و بعضی یافته های محلی که کمتر مورد توجه یا در دسترس محققین و مورخین ایرانی بوده به دسته بندی حوادث و جریانات تاریخی پرداخته سپس به تحلیل و بررسی آنها از دیدگاه اجتماعی خود پرداخته است.

علی الوردی جلد اول کتاب خود را پیش درآمد بحثهای مجلدات دیگر قرار داده و موضوعات زیر را بررسی می کند:

ظهور و استقرار دولت عثمانی و فتح عراق توسط آنان، ظهور صفویه، تشیع صفویان و آثار اجتماعی سیاسی آن در عراق، ظهور نادرشاه و فتوحات مکرر او در عراق، آغاز حکومت ممالیک در عراق.

در جلد دوم به بررسی حوادث تاریخی از سال ۱۸۳۱ تا ۱۸۷۲ میلادی پرداخته است.

در جلد سوم به حوادث عراق در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی پرداخته و آنگاه به چند موضوع با اهمیت برای ایرانیان، یعنی میرزای شیرازی، نظام اجتهاد در مذهب تشیع، مشروطیت ایران و تأثیر آن در عراق، مشروطیت ترکیه و تأثیرات آن در عراق، ظهور ملیگرایی در جهان عرب و تأثیرات آن بر عراق، بررسی درباره سید جمال الدین افغانی، و تحقیق درباره فراماسونری پرداخته است.

در جلد چهارم به حوادث سالها ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی پرداخته است. در این دوره دولت عثمانی پس از وارد شدن در

مآخذ شناسی

و
استفاده از کتابخانه

نابین

پروین انوار (استعلامی)

ویرایش سوم
۱۳۷۱ خورشیدی

اولین گام پس از طرح تحقیق و تعیین محدوده آن، شناختن منابعی است که برای انجام آن لازم است. کتاب فوق با این هدف فراهم آمده تا دانش پژوهان را با کتابخانه، سازماندهی آن، منابع مرجع کتابی و غیر کتابی، انواع آنها و چگونگی استفاده از آنها آشنا کند. چاپ و ویرایش دوم این کتاب در ۶۸ صفحه به سال

۱۳۵۴ منتشر شد و اینک ویرایش سوم آن در حجمی بیش از دو برابر حجم ویرایش پیشین منتشر شده است. می بینیم که مؤلف کوشیده است با بازنگری اساسی در مطالب کتاب و با استفاده از تجربیات ممتد خود، اطلاعات کتاب را روزآمد کند.

مؤلف، دست دانشجویان و کسانی را، که به هر دلیلی خواستار تدوین رساله و یا تهیه مقاله ای بوده اند، گرفته و آنان را به کتابخانه می برد و با دقت منابعی را که نیاز دارند به آنان معرفی می کند و دست آخر آنان را کمک می کند تا نوشته خود را طبق ضوابطی کنترل و ارزیابی کنند.

در دیباچه و پیشگفتار از ضرورت تهیه چنین کتابی با خبر می شویم. گفتار اول به معرفی کتاب و اجزای ظاهری آن و برخی اصطلاحات رایج در این مورد می پردازد. گفتار دوم از کتابخانه، سازماندهی آن، برگه و برگه دان و روش بازیابی کتاب از طریق برگه دان بحث می کند. در این گفتار مؤلف به مناسبت از رده بندیهای دیوبی و کتابخانه کنگره و شیوه آنها سخن می گوید؛ بی آنکه ترجیحی برای یکی از این رده بندیها قائل شود. مهمترین مباحث کتاب طی گفتارهای سوم تا پنجم بیان شده است. در گفتار سوم، کتاب مرجع تعریف می شود؛ کتاب مرجع دو خصوصیت عمده دارد: ۱. اطلاعات آن مورد قبول تمامی صاحب نظران است و خالی از مباحث سؤال آفرین و ۲. معمولاً همه آن مطالعه نمی شود، بلکه برای یافتن پاسخ خاصی مورد مراجعه قرار می گیرد. البته چنین منابعی اختصاصی به کتاب ندارد و مواد غیر کتابی را نیز شامل می شود که مؤلف آنها را در گفتار پنجم معرفی کرده است. کتابهای مرجع نیز دو دسته هستند: ۱. مراجع دست اول که مستقیماً به سؤال مورد نظر پاسخ می دهند؛ مانند واژه نامه ها و دائرةالمعارفها و ۲. مراجع دست دوم یا رابط که برای یافتن

جنگ جهانی اول به پایان کار و افول خود نزدیک شد و بالاخره شکست در آن جنگ کلیه متصرفات خود را یکی پس از دیگری از جمله عراق از دست داد و عاقبت بغداد در سال ۱۹۱۷ میلادی پس از ماهها جنگ و جهاد مردم عراق به سرکردگی علمای شیعه علیه ارتش اشغالگر انگلیس سقوط کرد. در این مجلد دکتر علی الوردی به حوادث مهم این سالها پرداخته است.

جلد پنجم که در دو بخش تنظیم شده کلاً به حوادث مربوط به شورش و قیام عمومی ملت عراق به فتوای جهاد علمای شیعه علیه انگلیس که به «ثورة العشرین» مشهور است، اختصاص دارد. جلد ششم نیز در دو بخش، در بخش نخست آن به حوادث و وقایع عراق از سال ۱۹۲۰ میلادی، یعنی حوادث پس از سرکوب ثورة العشرین تا سال ۱۹۲۴ میلادی، که سال اعلان استقلال عراق و تشکیل نخستین دولت ملی عراق می باشد، پرداخته است. در بخش دوم به تاریخچه دو خانواده مشهور در عربستان، یعنی خانواده اشرف مکه و خانواده ابن سعود پرداخته و به حوادث ظهور وهابیان و آل سعود و سقوط حکومت اشرف در حجاز و حاکمیت وهابیت بر کل سرزمین شبه جزیره العرب می پردازد و تأثیرات سیاسی و مذهبی این واقعه را بر منطقه بررسی می کند و بدین گونه کتاب پایان می پذیرد.

کتاب با قلمی شیوا و بسیار روان و مورد پسند عامه مردم نوشته شده است و خواننده هنگام مطالعه احساس لذت می کند.

این کتاب پس از نخستین چاپ آن در عراق به علل متعددی که مهمترین آن بررسی و تثبیت جایگاه ارزشمند عالمان دین و حوزه های علمیه شیعه در استقلال عراق و بر ملا نمودن روابط آشکار و نهان داعیان قومیت عربی و به اصطلاح ملیگرایان مزدور انگلیس به آرمانهای مجاهدین بوده از سوی دولت ملحد بعث عراق جزء کتب ممنوعه قرار گرفت و نسخه های آن از کتابفروشیها جمع آوری شد. اینکه این کتاب از سوی انتشارات الشریف الرضی در قم تجدید چاپ شده و در دسترس خوانندگان قرار دارد.

محمد رضا انصاری قمی

مآخذ شناسی و استفاده از کتابخانه

پروین انوار (استعلامی). ویرایش سوم. (تهران: زوار، ۱۳۷۱). ۱۶۷ص.

پاسخ مورد نظر، ما را به منابع دیگری ارجاع می دهند؛ مانند کتابشناسیها و فهرست مقالات. طی گفتارهای سوم و چهارم مؤلف انواع کتابهای مرجع دست اول و رابط را معرفی کرده و نمونه های خوبی به دست داده است. علاوه بر آن مؤلف معیارهایی برای ارزیابی اعتبار کتاب مرجع در اختیار خواننده قرار می دهد تا هر کس به فراخور حال خود، توان ارزیابی و سنجش چنین آثاری را داشته باشد.

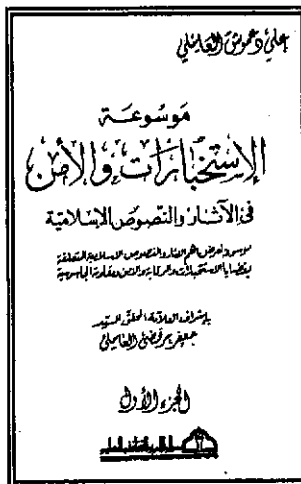
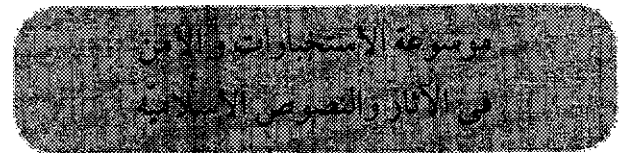
گفتار پنجم مواد غیر کتابی، کتابخانه را، از قبیل اسلاید، فیلم متحرک، میکروفیلم و تصاویر، با دقت معرفی می کند. و در گفتار ششم از تواناییهای کامپیوتر، شبکه های اطلاعاتی جهانی در کتابخانه ها و نحوه کار با کامپیوتر در کتابخانه سخن می رود.

هفتمین و آخرین گفتار درباره چگونگی تدوین و نگارش رساله ها و مقاله هاست. در این گفتار مؤلف به پژوهشگران روش تنظیم نهایی رساله و مقاله را می آموزد.

وجود پیوستی در آخر کتاب که در آن نمونه منابع مرجع به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسوی آمده است، بر ارزش آن افزوده است.

در مجموع این کتاب کاری است بسیار سودمند و مورد استفاده هر کتابدوست. تنها نکته ای که به نظر می رسد آن است که گفتار آخر چندان با عنوان و هدف و موضوع کتاب مناسبتی ندارد و خود می تواند، و باید، موضوع کتاب خاصی قرار گیرد.

سید حسن اسلامی



علی دهموش عاملی.
چاپ اول: دارالامیر للثقافة
والعلم، بیروت، لبنان،
۱۴۱۳. ۴۳۹+۴۸۰+۵۱۲
ص. پژوهشهای گسترده،
مستند و دقیق در ابعاد گونه گون
نظام اسلامی نه پربار است و نه
بر برگ. روشن است که در
میان فقیهان و دانشوران شیعی
بحث و فحص از نظام اسلامی

و چگونگی شکل گیری دولت اسلامی و نهادها و بدنه های شکل دهنده آن هرگز به گونه موضوعی، شامل و جامع مطرح نبوده است. بحث از اصل «ولایت فقیه» نیز به عنوان حاکمیت فقیهان پیشینه چندان درازی ندارد، گو اینکه نشانه ها و نمونه ها و انگاره های آن را در متون بسیار کهن توان یافت. «طرح ولایت فقیه» از سوی حضرت امام خمینی رضوان الله علیه گامی بود بلند و حرکتی مؤثر در گستراندن ابعاد این بحث در صفحه ذهن و صفحه اندیشه و تحقیقات محققان. آن خردمند بی بدیل خود به نخستین گام بودن آن بحث و نیازمندی کاوش در ابعاد گونه گون نظامی اسلامی توجه داشته اند که در ضمن آن بحثها فرمودند:

ما اصل موضوع را طرح کردیم، لازم است نسل حاضر و نسلهای آینده در اطراف آن بحث و فکر نمایند ...
(نهضت امام خمینی، ج ۲/۵۱۴)

پس از پیروزی شکوهمند، انقلاب عظیم اسلامی در این دیار، و عینیت یافتن حاکمیت اندیشه اسلامی در صحنه اجتماع از بحث نظام اسلامی و نهادهای حقوقی، سیاسی و اداری آن شکل جدی تر به خود گرفت. پژوهش گسترده و جلیل القدر حضرت آیه الله العظمی منتظری در پی نیازمندی شدید به تنقیح این گونه مباحث بود که نتیجه اش سامان یافتن اثر قویم و بی بدیل «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه» در ۴ جلد شد. با اینکه این اثر شاملترین و گسترده ترین کتابی است که مباحث مربوط به نظام اسلامی را به بحث کشیده و از نهادهای آن به تفصیل سخن رانده است باز هم مؤلف بزرگوار در آغاز جلد دوم که ویژه چگونگی تکون دولت اسلامی و قوای سه گانه و نهادهای آن است تاکید کرده اند که این بحث نگاهی است گذرا و تفصیل هر کدام از این موضوعات در خور کتابی است مستقل. از جمله مباحثی که از سالهای آغازین شکل گیری نظام اسلامی توجه پژوهشیان را به خود معطوف داشته بود، مسئله «اطلاعات»، «تجسس» و پنهان پژوهی بود. تشکیلات اطلاعاتی و پنهان پژوهی برای دستیابی به حرکتها و خارجی و داخلی دشمن، و حاضر یراقی در برابر توطئه های خصم و آگاهی از چندی و چونی حضور حاکمیت و حکومت در میان مردم، و نگرشها و داوریهای مردم درباره آن و ... از جمله ضرورتها و غیر قابل انکار نظام اسلامی است. تاکنون پژوهشهایی شایان توجه در این باره سامان یافته است از جمله: سلسله مقالاتی از حضرت آیه الله علی احمد میانجی (نور علم، سالهای اول و دوم) و فصل هشتم از باب ششم «ولایة

رفتاران بحث کرده و در پایان به چگونگی ارزیابی و بررسی اطلاعات جمع آوری شده پرداخته است. در بخش نهم از چگونگی تشکیلات اطلاعاتی و اداری آن سخن رفته و در ضمن آن مطالب مهمی در چگونگی گزینش نیروهای اطلاعات آمده است. در ادامه این بحث ویژگیها و صفات نیروهای این میدان نیز بسیار جالب و خواندنی است، در بخش دهم از امنیت و مرزداري و حفظ حدود و ثغور به عنوان یکی از وظایف مهم نظام اسلامی بحث شده و چگونگی اجرای آن نموده شده است. بخش پایانی کتاب چگونگی برخورد با جاسوسان، خبریابی از آنان، پیامدهای اعمال جاسوسان و کیفر آنان به بحث نهاده شده است. این نگاه گذرا هرگز نمی تواند اهمیت و ابعاد گسترده این اثر فخیم را بنمایاند؛ فرصتی باید که در ضمن مقالاتی مجتوی آن بدقت ارزیابی و بررسی گردد. یادآوری کنم که طرح کلی و چهار چوب اصلی کتاب را محقق سختکوش حضرت سید جعفر مرتضی عاملی ترسیم کرده، و از آغاز تا پایان بر چگونگی جمع آوری اطلاعات نصوص و تحلیل آنها نظارت کرده است (ج ۱/ ۱۰).

مؤلف تأکید کرده است که گزارش نصوص حدیثی و تاریخی در این کتاب استوار بر شیوه محدثان و محققان بوده است؛ وی در این مجموعه به منابع شیعه بسنده نکرده و آگاهیها را از تمام منابع فرهنگ اسلامی گرد آورده است، و در این عرضه، متون احادیث و اخبار را عیناً آورده است بدون هیچگونه تصرف تا محققان زمینه بحث و بررسی در چگونگی آنها را بر اساس معیارهای حدیث شناختی و تحلیل مباحث تاریخی داشته باشند. افزون بر این یادآوری کرده است که برداشتها و بهره های فقهی و تفسیری و تحلیل های ذیل نصوص مطالبی است که مؤلف بدان رسیده است، از این روی باید در حد یک دیدگاه تلقی شود و در مسائل فقهی حتماً به آراء فقیهان مراجعه گردد. یادآوریهای محقق هوشمندانه و دقیق است (ج ۱، ۱۳-۱۱). به هر حال محققان با در دست داشتن این مجموعه، اطلاعات و آگاهیهای بسیار گسترده ای را در اختیار دارند که بر اساس آنها می توانند به پژوهشها و نتایج مهمی دست یابند. پایان بخش تمام مجلدات، فهرس فنی آنهاست، فهرست آیات، رجال سند، اعلام، جایها، شهرها، قبیله ها، جمعیتها، روزها، فرقه ها مذهبها و موضوعات.

محمد علی مهدوی راد

الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، و ... اما آنچه اینک مورد گفتگو است تلاشی است عظیم و کاوشی است ستودنی، و برآستی دائره المعارفی درباره اطلاعات، خبریابی و مسائل امنیتی بر اساس آثار و نصوص اسلامی. این مجموعه اثری است. تفسیری، تاریخی، فقهی که در ضمن آن ۱۰۸۵ نص قرآنی، حدیثی و تاریخی ارزیابی شده است. مؤلف در هر فصلی ابتدا نصوص مربوط به آن موضوع را می آورد و آنگاه استفاده و برداشتهای از نصوص را گزارش می کند.

کتاب در یازده بخش کلی سامان یافته است که هر بخش دارای فصلهای متعددی است. در بخش اول از محرّماتی که در میدان عمل، خبریاب و عنصر اطلاعاتی با آن روبروست گفتگو شده و مسائلی مانند تجسس، سوء ظن به دیگران، همراهی با دیگر اندیشان و ... غیبت، افشاء زشتیها و ... مورد بحث قرار گرفته است. در بخش دوم از ضرورت ایجاد تشکیلات اطلاعاتی سخن رفته است و از ابعاد آن بخش سوم ویژه مسائل اطلاعاتی- نظامی است که در ضمن آن به چگونگی جمع آوری اطلاعات از دشمن و پنهان سازی اطلاعات ارتش، در حال جنگ و غیر آن، انواع و اقسام خبریابی ها و پنهان پژوهیها و ... بحث شده است.

بخش چهارم به اهمیت، حساسیت و ابعاد و چگونگی اطلاعات خارجی پرداخته است که بسار تأمل برانگیز و قابل توجه است.

در بخش پنجم و ششم از اهمیت و حساسیت حاضریراقي در دستیابی به حرکت های داخلی نیروی های دشمن و آگاهی از چندی و چونی تلاشهای جبهه تفاق سخن رفته است در این فصل از چگونگی دستیابی به اطلاعات از دشمن داخلی، موضع مردم در مقابل نظام و ارزیابی برخوردها و کنشها و واکنشهای جامعه، نظام اداری و لشکری و قضایی نظام مسئولان و کارگزاران مورد بررسی قرار گرفته و چگونگی تحقیق و پژوهش در این جهات نمایانده شده است.

در بخش هفتم پنهان سازی اطلاعات، لزوم حفظ اسرار، شیوه های پنهان سازی، مسئله تقیه و ... مورد ارزیابی و دقت قرار گرفته است.

بخش هشتم به چگونگی کار اطلاعاتی، مراحل، وسائل و شیوه های آن پرداخته و از منابع و مصادر اطلاعاتی سخن گفته و در ضمن آن از مسئله «عریف» در تاریخ اسلام بحث کرده، و چگونگی جمع آوری اطلاعات را به بحث گذاشته و به مناسبت به تفصیل از نشانه های منافق و مؤمن، رائنت کرداران و کژ